



پوش کنید!

گفت‌وگو با داور ۶۵ ساله «میدون»

# غرور را کنار بگذارید موفق شوید

در حوزه کسب‌وکار و کارآفرینی، در این شماره از مجله به سراغ آقای علیرضا یونچی، یکی دیگر از داورهای مسابقهٔ مربوط به ارائهٔ کسب‌وکار «میدون» در شبکهٔ ۳، رفتیم. آقای یونچی که امروز تقریباً شصت‌وپنج سال سن دارد، خودش هنرجوی هنرستان بوده و شروع به قول خودش دست به آچارشدنش، از هنرستان رقم خورده است. ایشان که اصالت آذری دارد، یکی از کارآفرینان موفق و باتجربه در حوزهٔ فروش کاغذ در کشور است و حالا برند (مارک) فرش یونچی در برخی موزه‌های لندن، نیویورک و قاهره به‌عنوان فرش اصیل نگهداری می‌شود. او این روزها طرح‌های کسب‌وکار جوانان را در برنامهٔ میدون قضاوت و آن‌ها را هدایت می‌کند. در این گفت‌وگو سعی کردیم از تجربه‌های راه‌اندازی کسب‌وکار و چگونگی پیشرفت در آن‌ها سؤال کنیم. با ما همراه باشید.



کنند. بروند آهنگری کنند، سیم‌کشی یاد بگیرند، بنایی را شروع کنند، بروند گچ‌کاری و نجاری یاد بگیرند. مهم این است که از یک نقطه شروع کنند. بله که می‌توانند در آینده کسب‌وکار خود را داشته باشند. باید غرور را کنار بگذاریم. غرور بیجا را کنار بگذاریم. ما تصمیم گرفته‌ایم کار عملی انجام بدهیم. پشت‌میزنشین نیستیم. هنرستانی به معنی دست‌به‌آچار بودن است و چه عزتی هم در اجتماع دارد. من شصت‌وپنج‌ساله‌ام و خوش‌حالم که از شانزده‌هفده‌سالگی دست‌به‌آچار بوده‌ام و خیلی جاها به دلیل همین دست‌به‌آچار بودن احترام مضاعف و بیشتری هم برایم قائل بودند. مثلاً ماشین در راه خراب می‌شد، من می‌آمدم کمک می‌کردم. یک جا به کار فنی نیاز داشت، دست‌به‌آچار بودیم. در روزهای محرم از شما می‌پرسند چادر را چگونه نصب کنیم و آشپز از کجا هماهنگ کنیم. در هنرستان امنیت شغل را هم یاد بگیریم. هنرستان بهترین فرصت برای بچه‌هاست.

**🗨️ حرف شما درست است، اما بعضی از بچه‌ها به خاطر ترس از شکست پا به عرصهٔ کسب‌وکار نمی‌گذارند. نظر شما در این باره چیست؟**

از ترس مرگ که نباید خودکشی کنیم. پس هیچ‌وقت شنا نباید یاد گرفت، چون شما قطعاً با بار اول و بار دوم شنا را یاد نخواهید گرفت. شکست قسمتی از پیشرفت در زندگی است. من شکست‌های خودم را تجربه می‌دانم و تکرارشان نمی‌کنم و قوی‌تر در راه خودم حرکت می‌کنم. شکست یک پله است نه چاله. آدم‌های سست‌عنصر تصور می‌کنند شکست چاله است، در حالی که پلهٔ پیشرفت و ترقی است. من هزار بار نه شکست، که تجربه کردم و دیگر مسیر نادرست را

**🗨️ آقای یونچی هنرستان امروزی با هنرستان زمان تحصیل شما چه فرقی کرده است؟**

خوشبختانه من خودم هنرستانی بودم. در رشتهٔ برق درس خواندم. ولی فرق هنرستان ما با الان این است که اگر کارگاهمان تعطیل می‌شد و یکی از کلاس‌ها برگزار نمی‌شد، ما جا نمی‌زدیم و هنرستان را ترک نمی‌کردیم. من برق خوانده بودم، اما می‌رفتم کارگاه فلزکاری و اگر کارگاه فلزکاری پر بود، می‌رفتم نجاری. باز هم اگر جا نبود، می‌رفتم مکانیکی و اگر نبود می‌رفتم معماری. اکثر هم‌دوره‌های من بنده بسیار موفق بودند، چون مثل آچارفرانسه تجربهٔ هر کاری را داشتند. امروز شما نمی‌توانید بگویید شما در رشتهٔ برق تحصیل کرده‌اید، پس کار برقی بکنید و فقط با برق کار داریم، چون در یک نقطه از کار برقکاری ممکن است بنایی داشته باشید و باید کار را متوقف کنید و بنایی را انجام دهید.

اگر هنرستانی ارزش خودش و نعمتی را که در اختیارش قرار گرفته است بداند، هیچ‌وقت توانایی‌های خود را دست‌کم نمی‌گیرد. در هر رشته‌ای، اگر به‌عنوان کارآموز تخصص یاد بگیرد و تجربهٔ عملی پیدا کند، بسیار موفق خواهد بود. در ضمن، بچه‌ها هرگز خودشان را به یک رشته و شاخه محدود نکنند. مثلاً من می‌روم و گلدوزی یاد می‌گیرم. چه اشکال دارد که نجاری هم یاد بگیرم و بعداً جعبهٔ کار گلدوزی را هم خودم بسازم.

**🗨️ به نظر تان برای یک هنرستانی ورود به کسب‌وکار و حوزهٔ کارآفرینی تا چه اندازه ممکن است؟**

اگر غرور را کنار بگذارند، می‌توانند وارد شوند و از یک جا شروع



هستیم، در حالی که اختراع و نوآوری در موتورسیکلت به یک فصل رسیده است. یعنی فناوری در یک سال حداقل چهار مرتبه پله به پله تغییر می کند.

**توصیه پایانی شما به بچه های هنرستانی چیست؟**  
فقط به بچه ها می گویم که نایستند و حرکت کنند. چون سرعت فناوری بسیار سریع است. من با این سنم شبی دو ساعت مطالعه می کنم. اگر نه عقب می افتم. روزانه نیم ساعت تحقیق کنید و ببینید نوآوری در حوزه کاری خودتان کجارج داده است. از پرسیدن هم خجالت نکشید.



نمی روم. پس اگر از ترس زمین خوردن باشد، هیچ وقت نباید راه بروم؛ همان بهتر که چهار دست و پا بروم تا زمین نخورم.

### **به نظر شما بچه ها باید چه مهارت هایی را یاد بگیرند تا در راه اندازی کسب و کارشان از آن ها استفاده کنند؟**

بچه ها باید یک حرفه را به صورت تخصصی و در کنار آن دادوستد را یاد بگیرند. داد یعنی ترازو. یعنی در مقابل کالایی که می سازیم، از قبل مشخص کنیم چه چیزی به دست می آوریم، یا به قول اصفهانی ها «چی می ستونم». این باعث می شود کار خود را به بهترین شکل انجام و بهترین کار را تحویل دهیم. من هر کاری کرده ام، بعضی افراد که مرا نمی شناسند، می گویند کار یونچی گران است. نه، کار من گران نیست، اما من در هر کاری ورود کردم، به دلیل دقتی که در ساخت کالا دارم، سعی کردم بهترین باشد. متخصص هر کاری را پیدا و سعی کرده ام از او استفاده کنم.

### **امروزه فناوری هایی به وجود آمده اند که بر فضای کسب و کار تأثیر زیادی گذاشته اند. شما فضای ده سال آینده کسب و کار را که نسل امروز بچه های هنرستانی به شکل جدی درگیر آن خواهند بود، چگونه تصویر می کنید؟**

سرعت فناوری زیاد شده است. الان زمان عمر یک اختراع در وسایل ارتباط جمعی مثل تلفن مثل بی سیم و وسایل ارتباطی هفده ساعت و یک دقیقه است، شما چگونه می توانید جا بمانید؟ ده سال دیگر به طور جدی درگیر شدن دیر است. حتی شش ماه دیگر هم برای بچه ها دیر است. ما الان دو سال و خرده ای درگیر تولید موتورسیکلت